

## روند شکل‌گیری حرکت‌های تفسیری «قرآن کریم» در ایران از قرن سوم تا پایان قرن چهاردهم هجری

ابراهیم فتح‌الهی\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۲۵

تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۰۵/۰۱

### چکیده

دانشمندان ایرانی در تأسیس بسیاری از علوم اسلامی مثل علوم ادبی، تاریخ، فقه، حدیث، تفسیر، کلام، فلسفه و عرفان که در قرن نخست اسلامی پی‌ریزی شد، نقش قابل توجهی داشتند. خصوصاً در زمینه تفسیر قرآن کریم، از صدر اسلام تاکنون هیچ قرنی نبوده است که اثری از سوی اندیشمندان مسلمان ایرانی عرضه نشده باشد. می‌توان گفت که با ظهور اسلام در ایران، استعداد ایرانیان تحریک شد و روح تازه‌ای در آن دمیده شد و در نتیجه توانستند با آفریدن شاهکارهای علمی و فرهنگی فراوانی در راه خدمت به اسلام، نبوغ خود را در عرصه‌های مختلف علمی نشان دهند. نخستین و مهم‌ترین موضوعی که توجه دانشمندان ایرانی را جلب کرد، قرآن بود و اهتمام ایرانیان به تفسیر و حدیث که مستقیماً به اسلام مربوط می‌شود، از هر مورد دیگر بیشتر بود. پیشرفت‌ها و دستاوردهای ایرانیان در علوم قرآنی، قرائت، تفسیر و حدیث، بخش مهمی از عصر شکوفایی فرهنگی اسلامی را در بر گرفته است. بررسی تاریخی با تکیه بر کانون جغرافیایی علمی نشان می‌دهد که در قرون اولیه اسلامی، حداقل دو کانون اصلی؛ خراسان و ری و دو کانون فرعی؛ اصفهان و فارس، مهم‌ترین مراکز علوم قرآنی در ایران بوده‌اند و در این میان، خراسان در زمینه تربیت دانشمندان علوم قرآنی بر دیگر نواحی ایران ارجحیت داشت. نگارنده در نوشته پیش رو بر آن است که ضمن بررسی سیر تاریخی نگارش تفسیرهای قرآن از قرن سوم تا پایان قرن چهاردهم هجری در جغرافیای سرزمینی ایران، سیر تطور مکاتب و روش‌های تفسیری و نحله‌های فکری مؤثر در رویکردهای تفسیری دانشمندان ایرانی را مورد مطالعه قرار دهد، علاوه بر آن قرون طلایی شکل‌گیری تفاسیر مختلف را در ایران، بیان و زمینه‌های شکل‌گیری جوامع تفسیری مختلف را نشان دهد.

کلیدواژه‌ها: تفاسیر ایرانی، مکتب تفسیری خراسان، مکتب تفسیری ری، مکتب تفسیری اصفهان، مکتب تفسیری فارس، تفاسیر جامع، تک‌نگاری‌ها در تفسیر.

مقدمه

بعد از ظهور اسلام، قسمت اعظم ایرانیان به دین اسلام گرویدند و اسلام با سرعتی شگفت‌انگیز در ایران پیش رفت؛ به طوری که در مدت ۲۰ سال، تمامی فلات ایران را از ساحل فرات تا رود جیحون و از کناره‌های سند تا کرانه دریای خوارزم فراگرفت (مطهری، ۱۳۶۶: ۳۸۷).

از آن پس دانشمندان ایرانی به فراگیری لغت و زبان عربی و گسترش آن پرداختند. ایرانیان به حکم یک انگیزه مقدس دینی به خدمت به زبان عربی همت گماشتند. ایرانیان مانند همه مسلمانان پاک‌نهاد دیگر، زبان عربی را زبان قوم عرب نمی‌دانستند. لذا بدون هیچ‌گونه تعصب، با شور و نشاط و علاقه‌ای فوق‌العاده به فراگیری و ضبط و تدوین زبان عربی پرداختند (مطهری، ۱۳۶۶: ۵۰۹). می‌توان گفت که خدمات ایرانیان به زبان عربی بیش از خود اعراب به این زبان بوده است (همان).

ادوارد گرانویل براون (۱۹۲۶-۱۸۶۲ میلادی)، خاورشناس و ایران‌شناس انگلیسی که چهار جلد کتاب درباره تاریخ ادبی ایران نوشته است، می‌گوید: «اگر از علمی که عموماً به اسم عرب معروف است؛ اعم از تفسیر و حدیث و الهیات و فلسفه و طب و لغت و تراجم احوال و حتی صرف و نحو زبان عربی، آنچه را که ایرانیان در این مباحث نوشته‌اند برداریم، بهترین قسمت آن علوم از میان می‌رود» (براون، ۱۳۶۱: ۹۷).

اهتمام ایرانیان به آموزش و گسترش زبان عربی با انگیزه خدمت به قرآن، موجب شد که دانشمندان بزرگی مثل فیروزآبادی مؤلف قاموس المحيط، جوهری مؤلف تاج اللغة و صحاح العربیة، راغب اصفهانی مؤلف

مفردات الفاظ القرآن، ابوهلال عسگری مؤلف فروق اللغویه و احمد بن فارس مؤلف مقاییس اللغة آثار ادبی بارزشی را پدید بیاورند.

علمای لغت و صاحبان معاجم، به صراحت هدف و انگیزه خود را از تألیفاتشان، کمک به فهم عبارات قرآن کریم و سنت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ذکر کرده‌اند و در بیان و معانی بسیاری از لغات، از شواهد قرآنی استفاده کرده‌اند و به نکته‌هایی که به تفسیر قرآن و توضیح کلمات و عبارات آیات کمک می‌کند، اشاره کرده‌اند. به عنوان نمونه، فیروزآبادی (م. ۸۱۶ هـ.ق.) انگیزه تألیف کتاب قاموس المحيط را عربی بودن زبان قرآن که منبع شریعت اسلامی است، اعلام کرده است (فیروزآبادی، ۱۴۰۳: مقدمه).

همچنین هدف بسیاری از دانشمندان ایرانی از نگارش و تدوین و تبویب علم بلاغت، اثبات اعجاز قرآن مجید و فهماندن جنبه‌های تفوق و برتری کلام خداوند است؛ مثلاً ابوهلال عسگری هدف خود را از تألیف کتاب الصناعتین، نشان دادن اعجاز قرآن از راه بلاغت بیان کرده است. وی در مقدمه خود می‌گوید: «شایسته‌ترین علم برای آموختن بعد از شناخت خداوند متعال، علم بلاغت و فصاحت است که به کمک آن اعجاز کتاب‌الله آشکار می‌شود» (فتح‌الهی، ۱۳۸۹: ۵۶). دانشمندان بزرگ علم حدیث از جمله نویسندگان صحاح سته اهل سنت و مؤلفین کتب اربعه شیعه امامیه، همگی ایرانی بودند.

اکابر علمای اهل تسنن اعم از مفسر، فقیه، محدث، متکلم، فیلسوف، ادیب، لغوی و غیره را ایرانیان تشکیل می‌دهند. ابوحنیفه که بزرگ‌ترین فقیه اهل تسنن است و امام اعظم خوانده می‌شود، یک ایرانی است.

محمد بن اسماعیل بخاری که بزرگ‌ترین محدث اهل تسنن است، ایرانی است. همچنین سیبویه از ادبا، جوهری و فیروزآبادی از لغویین، زمخشری از مفسرین، ابو عبیده و واصل بن عطاء از متکلمین، همگی ایرانی هستند (مطهری، ۱۳۶۶: ۱۳۴).

مورخین بزرگی مثل ابوحنیفه دینوری، ابن قتیبیه، طبری، بلاذری و ابوالفرج اصفهانی، ایرانی هستند. چهار تن از قراء سبعة به نام‌های نافع، ابن کثیر، کسایی و عاصم، ایرانی هستند. همچنین مفسرین بزرگ قرآن چون بیضاوی، شیخ طبرسی، جارالله زمخشری، فخر رازی، ابوالفتوح رازی، طبری، شیخ طوسی، میبیدی و غیره، چنانچه در شرح احوال آنها در این نوشتار خواهیم دید، ایرانی هستند.

چنانچه پیشتر نیز گفته شد در سال‌های اولیه ظهور اسلام، ایرانیان جزو نخستین ملت‌هایی بودند که به دین اسلام گرایش پیدا کردند و نخستین و مهم‌ترین موضوعی که توجه دانشمندان ایرانی را جلب کرد، قرآن بود. اهتمام ایرانیان به تفسیر و حدیث، موجب پیشرفت‌ها و دستاوردهای فراوانی در علوم قرآنی، قرائت، تفسیر و حدیث گردید که این تلاش‌ها از نظر وسعت و اهمیت، بخش قابل‌توجهی از عصر شکوفایی فرهنگی اسلامی را در برمی‌گیرد. شکل‌گیری دو کانون جغرافیایی علمی در قرون اولیه اسلامی، (شامل دو کانون اصلی؛ خراسان و ری و دو کانون فرعی؛ اصفهان و فارس) که مهم‌ترین مراکز علوم قرآنی در ایران بودند، مؤید این مطلب است.

الف. سیر تاریخی تفسیر قرآن در ایران

۱. قرن اول هجری، مراحل آغازین شکل‌گیری فرهنگ

اسلامی

آن‌گونه که ابن ندیم در *الفهرست* آورده است، سلمان فارسی را می‌توان اولین ایرانی نامید که پس از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، تفسیری از قرآن به نگارش درآورده است. گفته می‌شود که تفسیر وی رنگ و بوی عرفانی داشت (ابن ندیم، ۱۳۵۰: ۲۵۴). در این دوره جز سلمان فارسی، نام یک ایرانی دیگر به نام طاووس یمنی دیده می‌شود که با در نظر داشتن فرضیه اتحاد ادیان که در قرآن بارها به آن تصریح شده است، تفاسیر خود را ارائه داده است. تفسیر وی تا چهار قرن بعدی نیز در منطقه یمن که در آن روزگار بخشی از ایران بود، به عنوان تنها تفسیر مورد استفاده بوده است (ابن ندیم، ۱۳۵۰: ۱۶۰).

قبل از اتمام قرن دوم، یک ایرانی دیگر نیز در *فهرست مفسران قرآن* دیده می‌شود. وی حسین بن سعید اهوازی است که در نیمه دوم قرن دوم هجری می‌زیست (صدر، ۱۳۶۹: ۳۰). وی را می‌توان یکی از پل‌های ارتباطی بین طبقه دانشمندان متأثر از جندی‌شاپور با علوم اسلامی دانست. او علاوه بر تفسیر قرآن، در بسیاری از علوم دیگر نیز دست داشته است.

۲. قرن دوم هجری، (عدم تشعبات مذهبی در تفسیر

قرآن)

پس از سال ۱۰۰ قمری و شروع قرن دوم اسلامی، اکثر دانشمندان اسلامی در علم تفسیر کم‌کم به ملیت ایرانی متمایل بودند. نکته حائز اهمیت اینکه، در قرن اول و دوم هجری، تفاسیر قرآن در ایران رنگ و بوی مذهبی

نداشت و تحت تأثیر فرقه کلامی یا مذهب فقهی خاصی قرار نگرفته بود.

در میان مفسران مهم قرن دوم می‌توان به سلیمان بن مهران عماش اشاره کرد. وی از اهالی دماوند در حوالی تهران کنونی، در دوره‌ای بسیار حساس، از برترین مفسران قرآن در جهان اسلام بود و نقش بزرگی در پایه‌گذاری دانش ایرانی-اسلامی در ری داشت (مهرآبادی، ۱۳۷۹: ۱۳۳).

دیگر مفسر بزرگ ایرانی در این عهد، مقاتل بن سلمان است. در اینکه وی اهل ری یا خراسان بوده است، تردید وجود دارد. وی هم‌زمان با عماش می‌زیست و شهرتی بیش از عماش داشته و در سال ۱۵۰ قمری درگذشته است. شهرت مقاتل به قدری بوده است که شافعی، یکی از چهار پیشوای بزرگ اهل تسنن، درباره وی گفته است: «مردم در علم تفسیر به مقاتل نیازمندند» (ابن خلکان، ۱۳۶۴: ۳۴۱/۴).

اما در میان مفسران ایرانی در قرون اولیه اسلامی، یک جایگاه ویژه وجود دارد و آن، ابوزکریا فراء بن یحیی بن زیاد الأقطع دیلمی است (کورین، ۱۹۷۵: ۲۹۸). لقب «الأقطع» نشانه‌ای از قدرت بسیار زیاد او در علم تفسیر بوده است و اینکه پس از فراء، در تفسیر قرآن کسی مانند او نمی‌تواند بیاید. نام تفسیر وی *المعانی* است (کورین، ۱۹۷۵: ۲۹۹). وی روزهای جمعه، شاگردان را فرامی‌خواند و در حضور قاری که آیات را یک به یک می‌خواند، آنها را تفسیر می‌کرد (ابن خلکان، ۱۳۶۴: ۲۲۷/۳).

قبل از اتمام قرن دوم، یک ایرانی دیگر نیز در فهرست مفسران قرآن دیده می‌شود. وی حسین بن سعید اهوازی است که در نیمه دوم قرن دوم هجری

می‌زیست (صدر، ۱۳۶۹: ۳۰). وی را می‌توان یکی از پل‌های ارتباطی بین طبقه دانشمندان متأثر از جندی‌شاپور با علوم اسلامی دانست. او علاوه بر تفسیر قرآن، در بسیاری از علوم دیگر نیز دست داشته است.

۳. قرن سوم هجری، شکل‌گیری تفاسیر کلامی و فقهی چنانچه گفته شد در قرن اول و دوم هجری، تفاسیر قرآن در ایران صبغه مذهبی نداشت و براساس دیدگاه‌های کلامی یا فقهی مذاهب مختلف اسلامی تألیف نشده بود؛ و هدف مفسرین صرفاً فهم معانی و مدالیل کلام الهی بود... اما از اواخر قرن دوم و اوایل قرن سوم هجری، مفسران اهل تسنن و مفسران شیعه امامیه (جعفری مذهب)، هر یک تفاسیر مستقلی متناسب با مشرب کلامی و فقهی خود می‌نویسند. در میان مفسران اهل تسنن ایران، مفسران مذاهب شافعی و حنفی در ایران بیش از دو مذهب دیگر مهم‌اند. البته مفسران اهل تسنن نیز همانند مفسران شیعه عمدتاً وابسته به دو مکتب ری و خراسان بودند.

در این دوره می‌توان حداقل پنج مفسر بزرگ را نام برد که هم‌زمان با حیات برخی امامان شیعه علیهم‌السلام زندگی می‌کردند. از میان این پنج مفسر بزرگ، سه نفر به نام‌های علی بن مهزیار اهوازی، محمد بن حسن برقی و خالد بن حسن برقی هر سه معاصر امام رضا علیه‌السلام هستند (فرای، ۱۳۶۲: ۶۰/۴).

دو تن دیگر، یکی علی بن ابراهیم قمی است که در سال ۳۰۶ قمری (۹۱۸ م) زنده بود و دیگری علی بن بابویه قمی ملقب به ابن بابویه است که در سال ۳۲۳ قمری (۹۳۵ م) درگذشته است (شیرازی، ۱۴۰۱: ۸۹). در قرن سوم در ایران، چند مفسر بزرگ

آیات قرآنی، مسائل فقهی را از آنها استنباط کرد (فرای، ۱۳۶۲: ۴/۴۰۶).

در سال‌های انتهایی قرن سوم و آغاز قرن چهارم، ایرانیان در خارج از ایران نیز از بزرگ‌ترین مفسران و فقیهان علوم اسلامی خوانده می‌شدند. ابوبکر محمد بن ابراهیم بن منذر نیشابوری که در مکه می‌زیست، نمونه‌ای از این سخن است. منذر نیشابوری دارای تفسیری است که سیوطی آن را بی‌مانند خوانده است (سیوطی، ۱۴۰۱: ۱۳).

#### ۴. قرن چهارم هجری

أ- شکل‌گیری کانون تفسیری نیشابور و هرات در مکتب تفسیری خراسان  
ب- شکل‌گیری مکتب تفسیری اصفهان در ادامه مکتب تفسیری

با شروع قرن چهارم، علم تفسیر همراه با سایر علوم دینی، رشدی سریع یافت و به روزهای اوج خود نزدیک شد. در نیشابور، از کانون‌های مهم مکتب خراسان، ابوبکر احمد بن محمد فارسی، واعظ و مفسر نیشابور در این قرن قدرتی بی‌چون و چرا در تفسیر قرآن داشت. گویند در مجالس او هزاران تن حضور می‌یافتند (ویکنز، ۱۹۸۲: ۱۵۳)؛ اما قدرت علمی نیشابور در فارسی خلاصه نمی‌شد. ابوالقاسم حسن بن محمد نیشابوری، مفسر و واعظ معروفی بود که سیوطی او را بزرگ‌ترین مفسر خراسان نامیده است (سیوطی، ۱۴۰۱: ۱۵). او معلم ثعلبی بود و در سال ۴۰۶ قمری (۱۰۱۶م) درگذشت.

ابوعبدالرحمن حیری نیشابوری (۴۳۰-۳۶۰ قمری / ۱۰۳۹-۹۷۰م) که علاوه بر تفسیر، قاری نیز

سنی مذهب پدید آمدند. نخستین مفسر بزرگ اهل تسنن در قرن سوم، ابوحامد محمود بن احمد فرجی سمرقندی است که در سال ۲۰۸ قمری (۸۲۴ م) دیده به جهان گشود و در سال ۲۵۰ قمری (۸۶۵ م) دیده از جهان فرویست (ویکنز، ۱۹۸۲: ۱۴۸). او از دانشمندان بنام علوم دینی بود که در تفسیر، حدیث و فقه، ید طولایی داشت و از بنیان‌های علوم دینی اهل تسنن در مکتب خراسان بود.

اما به‌طور هم‌زمان دیگر کانون علم ایران، یعنی ری نیز از قافله عقب نماند. ابویحیی جعفر بن محمد رازی زعفرانی، یکی از بزرگ‌ترین مفسران قرآن در مذاهب اهل تسنن بود. سیوطی او را امام‌المفسرین خوانده است. او در سال ۲۷۹ قمری (۸۹۳ م) درگذشت (سیوطی، ۱۴۰۱: ۱۰).

دیگر مفسر بزرگ قرن سوم هجری، مردی از طبرستان (مازندران) است که نه تنها در تفسیر، بلکه در علوم دیگر قرآنی و ادبی، زبانزد عام و خاص است. این مرد محمد بن جریر طبری، مورخ بزرگ، عالم حدیث، فقیه و صاحب تفسیر معروف *جامع‌البیان* است. بلعمی این کتاب را به فرمان نوح بن منصور سامانی، به فارسی برگرداند. طبری بزرگ‌ترین نثرنویس عربی در تاریخ است. کتاب تاریخ وی، کامل‌ترین نمونه نثرنویسی یک نویسنده غیرعرب در زبان عربی خوانده می‌شود. محمد بن جریر طبری در سال ۳۱۰ قمری (۹۲۳ م) درگذشت.

از دیگر تفاسیر قرن سوم، تفسیر *جامع‌التأویل* اثر احمد بن فارس بن زکریا اللغوی، اهل قزوین می‌باشد. مفسر ابتدا مذهب شافعی داشت، بعدها مذهب مالکی اختیار کرد. تفسیر او فقهی است که با توجه به

این فرد حنفی بود. این تفسیر همان‌طور که از نامش پیداست، یک تفسیر فقهی می‌باشد. این تفسیر در مسائل فقهی یکی از معتبرترین تفاسیر حنفی‌ها می‌باشد. مفسر در این تفسیر شروع به جمع‌آوری آیاتی کرد که بتوان احکام فقهی را از آنها استنباط نمود (ابن‌ندیم، ۱۳۴۶: ۵۹).

از دیگر تفاسیر قرن چهارم که به زبان فارسی می‌باشد، تفسیر قرآن پاک می‌باشد. اصل تفسیر در پاکستان موجود بود و در سال ۱۳۴۱ شمسی توسط بنیاد فرهنگ ایران از آن عکس‌برداری شد و با مقدمه مرحوم مجتبی مینوی به چاپ رسید. ایشان معتقد است که این تفسیر با توجه به سبک و سیاق آنکه تفسیر لغت به لغت است، از قرن چهارم می‌باشد (پطروتفسکی، ۱۳۵۰: ۴۷۰).

از مفسران شیعه ایرانی در قرن چهارم می‌توان از عیاشی سمرقندی و ابوالعباس اسفراینی نام برد (سیوطی، ۱۴۰۱: ۲۰۰). این دو تن، ادامه‌دهندگان راه تفسیر در مکتب خراسان و ری در دوره شکوفایی فرهنگی ایران پس از اسلام هستند. آثار عیاشی با اقبال بیشتری در عصر خود مواجه شده تا شش قرن بعد ادامه داشته است. تا جایی که حتی در دوره ابن‌ندیم، هنوز آثار عیاشی در خراسان خریداران فراوانی داشته است (ابن‌ندیم، ۱۳۴۶: ۳۰۹).

۵. قرن پنجم هجری، (انتقال نهضت علمی ایران به خارج از ایران و زمینه‌های شکل‌گیری تفسیر اجتهادی) از قرن پنجم به دلیل درگیری‌های سلجوقیان و غزنویان در خراسان و توابع آن، نهضت علمی ایران در برخی رشته‌ها، به‌ویژه علوم دینی، کم‌کم به خارج از ایران و

بود، با وجود نایبایی، از دانشمندان بزرگ این دوره محسوب می‌شد (ویکنز، ۱۹۸۲: ۱۶۶). ابوعثمان صبوری نیشابوری (۴۴۹-۳۷۳ قمری / ۱۰۵۸-۹۸۳ م) نیز که علاوه بر تفسیر، در حدیث نیز از شهرت برخوردار بود، از دوستان حیرری نیشابوری بود. صبوری، فردی عارف‌مسلك بود. او در تقوی و تیزهوشی، ضرب‌المثل خراسانیان بود (ویکنز، ۱۹۸۲: ۲۰۰).

در هرات، کانون مهم دیگر مکتب خراسان، ابوحامد احمد بن محمد هروی، مفتی هرات که مذهب شافعی داشت، در همین دوره از بزرگان تفسیر بود. ابوحامد، معلم عالم بزرگ حدیث حاکم نیشابوری بود. او در سال ۳۵۵ قمری (۹۶۸ م) درگذشت. در اصفهان که از این دوره کم‌کم خود به کانونی مستقل از ری تبدیل می‌شد، ابوسعید حسین بن محمد اصفهانی زعفرانی نیز که از منابع مهم عالم معروف دیگر علوم قرآنی، ابونعیم اصفهانی بود، در این دوره می‌زیست. حسین اصفهانی در سال ۳۶۹ قمری (۹۸۰ م) درگذشت.

ری کانون دیگر تمدن ایرانی و هم‌آورد علمی خراسان، در این عهد نیز از علمای بزرگ تفسیر اهل تسنن بی‌نصیب نماند. ابوحسن علی بن موسی بن یزداد قمی که حنفی‌مذهب بود، در ری حضور داشت. وی در سال ۳۵۰ قمری درگذشت. در ری مفسر بزرگ دیگری نیز در همین عصر می‌زیست. او احمد بن فارس بن زکریا لغوی قزوینی بود که در آغاز شافعی و سپس مالکی شد. دو تفسیر مهم او جامع‌التأویل و غریب‌الاعراب قرآن بود (کبری‌زاده، ۱۴۰۱: ۱۷۸).

در قرن چهارم می‌توان به چند تفسیر دیگر نیز اشاره نمود؛ مانند احکام‌القرآن از ابوبکر محمدبن رازی.

قرآنی و تفسیری به طور اجتهادی می‌پردازد و از دایره نقل و تفسیر روایی و اثری خارج می‌شود.

شیخ طایفه علاوه بر تفسیر *التبیان*، *مصباح المجتهد*، *الحل والعقد*، *تهذیب الأحكام* و *استبصار* را در فقه و سایر علوم دیگر نیز نگاشت (دونالدسون، ۱۹۳۳: ۲۰۹). شیخ طوسی شاگرد شیخ مفید بانی حوزه علمیه نجف اشرف است؛ حوزه‌ای که هنوز پابرجا است (دوانی، ۱۳۸۶: ۳۳).

*تفسیر سورآبادی* تألیف ابوبکر عتیق بن محمد الهروی سورآبادی، از تفاسیر قرن پنجم می‌باشد. نویسنده از معاصران آلبارسلان سلجوقی می‌باشد. این تفسیر به زبان فارسی است و از نمونه‌های عالی نثر فارسی می‌باشد. نویسنده مذهب شافعی داشت، قرآن را تحت‌اللفظی ترجمه کرده است و بیشتر از نظر ادبی معروفیت دارد (درودی، ۱۳۶۲: ۱۳۵).

همچنین *تاج‌التراجم* یا *تفسیر اسقرائینی* از جمله کتب مهم تفسیری قرن پنجم می‌باشد. نویسنده‌اش عمادالدین ابوالمظفر شافعی است. او تفسیر را به چند مجلس تقسیم کرده است و در هر مجلس، تعدادی از سوره‌های قرآن را تفسیر کرده است. او از معاصران خواجه نظام‌الملک و مورد توجه او بوده است (حاجی‌خلیفه، ۱۲۷۸: ۱۴۹/۲).

۶. قرن ششم هجری، دوران طلایی تفاسیر قرآن و ظهور تفاسیر بزرگی چون *مفاتیح الغیب*، *کشاف*، *کشف الاسرار*، *مجمع البیان*، *روض الجنان*.

در قرن ششم هجری، بزرگ‌ترین تفاسیر اهل سنت نوشته شده است. یکی از این تفاسیر *مفاتیح الغیب* یا تفسیر کبیر اثر محمد بن عمر بن حسین بن حسن بن

به‌ویژه به مرکز مهم شیعه، نجف اشرف، منتقل شد. در این میان علمای تفسیر نیز مانند سایر عالمان دینی، به تحصیل و تدریس در جوار مرقد امام علی علیه‌السلام در نجف اشرف بیشتر تمایل داشتند؛ پدیده‌ای که هنوز هم پس از ده قرن دیده می‌شود.

در میان مفسران بزرگ شیعه در این عصر می‌توان به ابن مرزبان از نوادگان یزدگرد سوم اشاره کرد (دونالدسون، ۱۹۳۳: ۲۰۹). او در کتاب معروفش *خصائص قرآن*، به بررسی ویژگی‌های کلام خدا از دیدگاه‌های نو می‌پردازد. این کتاب هنوز هم پس از نه قرن در موارد بسیاری مورد توجه علمای تفسیر و کلام قرار دارد. ابن مرزبان در سال ۴۱۸ قمری (۱۰۲۷ م) در نجف اشرف درگذشت (همان).

اما مکتب خراسان نیز در این دوره بدون راهبر نماند. فضل بن شاذان نیشابوری در این زمان در خراسان و مرکز علمی آن، نیشابور، چراغ علم تفسیر شیعه را روشن نگاه داشت. همچنین در این دوره، خراسان بزرگ‌مرد دیگری را به دنیای علوم دینی معرفی کرد. این فرد ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، معروف به شیخ طایفه است. شیخ طایفه در طوس زاده شد اما بخش مهمی از زندگی خود را در بغداد گذراند (دوانی، ۱۳۸۶: ۳۳). او در سال ۴۶۰ قمری (۱۰۷۲ م) در نجف اشرف به دیار باقی شتافت. از میان آثار وی تفسیر *التبیان* شهرتی عالم‌گیر دارد. هنوز هم قرن‌ها پس از شیخ طایفه، این کتاب طراوت و تازگی خاصی در تفسیر از خود بر جای گذاشته است. بسیاری از شیعیان جهان این کتاب را به عنوان برترین کتاب تفسیر قرآن می‌شناسند (دونالدسون، ۱۹۳۳: ۱۳۰). *تبیان* نخستین تفسیر جامع و فراگیر شیعی است که به بحث‌های علوم

و مصابیح الأبرار اثر ابوالفتح محمد بن عبدالکریم شهرستانی شافعی است. تفسیر وی از تفاسیر فلسفی است (همان).

از مفسران شیعی ایرانی در قرن ششم هجری می‌توان به امین‌الاسلام شیخ طبرسی مؤلف مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن اشاره کرد. وی در سال ۴۶۸ قمری در شهر تفرش (مغرب آن: طبرس) زاده شد و در سال ۵۳۸ قمری از تألیف تفسیر قرآن فراغت یافت. این تفسیر به عربی نوشته شده است و به زبان فارسی نیز ترجمه شده است (مطهری، ۱۳۶۶: ۴۰۳).

همچنین در قرن ششم می‌توان به تفسیر *روض الجنان* تألیف ابوالفتوح رازی متوفی ۵۵۲ قمری اشاره کرد که مؤلف آن را به زبان فارسی نوشته است. گفته می‌شود که امین‌الاسلام طبرسی از مفسرین شیعه و فخر رازی از مفسرین اهل سنت، از تفسیر ابوالفتوح رازی زیاد استفاده کرده‌اند. وی اصالتاً اهل نیشابور خراسان است ولی در ری می‌زیست و در همان‌جا نیز درگذشت و قبر وی هم‌اکنون در شهر ری مشهور است (مطهری، ۱۳۶۶: ۴۰۴).

۷. قرن هفتم هجری، ادامه نهضت علمی قرن ششم و شرح‌نویسی بر تفاسیر قبلی  
از قرن هفتم به بعد، تفاسیر ایرانیان اهل سنت به اندازه تفاسیر قبلی، از استحکام برخوردار نیستند؛ صرف‌نظر از *انوار التنزیل* که در قرن هفتم نوشته شده است، تفاسیر دیگر یا شرحی است بر تفاسیر قبلی یا تفسیر قسمتی از قرآن می‌باشد (صفا، ۱۳۶۳: ۷۰/۱).

*انوار التنزیل* و *اسرار التاویل* یکی از مهم‌ترین تفاسیر قرن هفتم می‌باشد. نویسنده آن قاضی ناصرالدین

علی معروف به فخر رازی شافعی از مفسران بزرگ قرن ششم می‌باشد. فخر رازی در مازندران واقع در شمال ایران متولد شد ولی در ری اقامت گزید، لذا به رازی مشهور است. تفسیر وی از جمله تفاسیر به رأی است و آیات قرآنی را براساس مسائل فلسفی تفسیر کرده است. این تفسیر بیشتر جنبه کلامی و فلسفی دارد. در هشت جلد چاپ شده است و تفسیر سوره به سوره است (سیوطی، ۱۴۰۱: ۱۵).

از دیگر تفاسیر بزرگ قرن ششم، *تفسیر کشاف* اثر ابوالقاسم محمد بن عمر زمخشری خوارزمی ملقب به جارالله است (مطهری، ۱۳۶۶: ۱۴۶). وی با اینکه از بلاد سردسیر شمال ایران است، اما مدت‌های مدیدی در مکه مجاور خانه خدا شد و در همان‌جا *تفسیر کشاف* را نوشت. زمخشری از نظر کلامی، معتزلی و در فقه پیرو حنفی‌ها می‌باشد. روش تفسیر او آیه به آیه است. این تفسیر از متقن‌ترین تفاسیر اهل سنت می‌باشد. زمخشری در این تفسیر به ذکر خصوصیات، صرفی، نحوی، معانی، بیان، قرائت و شأن نزول هرکدام از آیات پرداخته است. این تفسیر در چهار مجلد چاپ شده است (سیوطی، ۱۴۰۱: ۶۱).

*تفسیر کشف‌الأسرار* و *عدة الأبرار* از دیگر تفاسیر قرن ششم می‌باشد. نویسنده آن ابوالفضل رشیدالدین میبیدی یزدی می‌باشد. این تفسیر در واقع شرحی است بر *تفسیر سیرة فی التصوف* اثر خواجه عبدالله انصاری هروی. تفسیر میبیدی بیشتر از نظر عرفانی مطرح است. میبیدی اهل میبید از شهرهای استان یزد است و تفسیرش در ده جلد به زبان فارسی نوشته شده است (نویهن، ۱۹۸۴: ۱۲۰).

یکی دیگر از تفاسیر قرن ششم *مفاتیح الأسرار*



گل‌چینی از تفسیر *فخر رازی* و *کشاف* زمخشری است، در ده جلد به چاپ رسیده است (مطهری، ۱۳۶۶: ۴۰۱). مؤلف این تفسیر حسن بن محمد بن حسین معروف به نظام نیشابوری یا نظام اعرج است. وی اهل قم و ساکن نیشابور بود و در سال ۷۳۰ قمری وفات یافت.

همچنین *جوامع التبیان* تألیف معین‌الدین عبدالرحمن ایچی از علمای قرن هشتم از ایچ استان فارس بوده است. او تفسیر خود را به عربی نوشت و اساس کار او بر اختصار از تفسیرهای قبلی قرار داشت و هدفش این بود که مختصری را در این فن تهیه کند (صفا، ۱۳۶۳: ۷۸/۴).

*تفسیر الثعالبی* اثر عبدالرحمن بن محمد ثعالبی حنفی از دیگر تفاسیر قرن هشتم است. این تفسیر سوره به سوره است و از لحاظ فقهی اهمیت دارد (حاجی‌خلیفه، ۱۲۷۸: ۴۵۰/۱).

در قرن هشتم می‌توان از تفسیر ابوالفضل دیلمی از محدثان و متکلمین شیعه نام برد. ابوالفضل دیلمی گرگانی متوفی ۸۰۰ قمری، تفسیر خود را در دو مجلد بزرگ قرار داده است. تفسیر جنبه روایی دارد و از امام صادق علیه‌السلام روایات بسیاری را نقل می‌کند. نسخه کهن این اثر در دو جلد به صورت خطی در کتابخانه سید جواد عاملی متوفی ۱۲۲۶ قمری در شهر نجف اشرف وجود دارد.

همچنین در قرن هشتم می‌توان از *مفتاح التفاسیر* تألیف رشیدالدین فضل‌الله همدانی متوفی ۷۱۸ قمری نام برد که تفسیری است کامل و در تألیف آن از شیوه فلسفی استفاده شده است (صدرحاج‌سیدجوادی، ۱۳۶۶: ۵۱۹/۴).

عمر بن محمد شیرازی بیضاوی اهل بیضا استان فارس است. این تفسیر خلاصه و فشرده‌ای از تفسیر *کشاف* و *مفاتیح‌الغیب* است (درودی، ۱۳۶۲: ۱۱۵/۱). نویسنده شافعی است. تفسیر او از جمله تفاسیر فقهی فلسفی است. روش تفسیر بیضاوی، سوره به سوره می‌باشد. این تفسیر مورد استفاده فیض کاشانی در *تفسیر صافی* بوده و شیخ بهایی نیز شرحی بر آن نوشته است (گیب، ۱۳۷۰: ۸۶).

*مدارک التنزیل و حقایق التأویل* از دیگر تفاسیر قرن هفتم اثر محمود نسفی حنفی می‌باشد. نسفی عالم در حدیث و فقه می‌باشد. تفسیر او از جمله تفاسیر به رأی می‌باشد. نسفی در تفسیر خود اگر حدیث یا خبر موثقی نمی‌یافت، به رأی خود اظهار نظر می‌کرد. تفسیر او آیه به آیه است و در چهار مجلد چاپ شده است (درودی، ۱۳۶۲: ۲۰۲/۱).

در قرن هفتم می‌توان از تفسیر *عرائس البیان فی حقائق القرآن* تألیف صدرالدین ابومحمد روزبهان شیرازی از علمای شیعه نیز نام برد. وی در سال ۵۲۲ قمری به دنیا آمد و در سال ۶۰۶ قمری از دنیا رفت. وی پنجاه سال در مسجد جامع عتیق شیراز به وعظ و خطابه پرداخت. تفسیرش در دو جلد به زبان عربی، قدیمی‌ترین تفسیر عرفانی برای قرآن کریم است و دارای تأویل‌های صوفیانه است (زرکلی، ۱۹۸۹: ۳۵/۳).

۸. قرن هشتم هجری، خلاصه‌نویسی و اختصار از تفاسیر قبلی در قرن هشتم می‌توان به تفسیر *غرائب القرآن* معروف به تفسیر *نیشابوری* اشاره کرد. این تفسیر که خلاصه و

همچنین در قرن هشتم تفسیر *جلاء الأذهان* و *جلاء الأجزاء* توسط ابومحسن حسین جرجانی به زبان فارسی تألیف شده است.

۹. قرن نهم هجری، مقدمه نویسی در تفسیر قرآن درباره شناخت قرآن و فضایل آن

*جواهرالتفسیر فی التحفه الامیر* اثر ملاحسین کاشفی مؤلف پرکار قرن نهم است. این تفسیر به نام امیرعلی شیر نوایی تألیف شده است. تفسیر به زبان فارسی است و اهمیت آن بدین دلیل است که مقدمه ای بلند دارد. در آن مقدمه توضیحاتی درباره شناخت قرآن و فضایل آن و جنبه های لغوی قرآن می دهد (نویسن، ۱۹۸۴: ۲۸۸).

*تفسیر شاهرودی* از دیگر تفاسیر قرن نهم است. این تفسیر از شیخ علاءالدین محمد شاهرودی است که به نام محمد فاتح عثمانی در سال ۸۶۳ در شهر ادرنه تألیف شده است دارد (صفا، ۱۳۶۳: ۸۹/۱).

در قرن نهم می توان به تفسیر شاه نعمت الله کرمانی متوفی ۸۳۴ قمری اشاره کرد که به زبان عربی نوشته شده و تفسیری عرفانی است.

۱۰. قرن دهم هجری، رکود نسبی تلاش های تفسیری و شرح نویسی بر آثار پیشین

از قرن دهم تا قرن دوازدهم، تلاش های تفسیری در حوزه اهل تسنن ایران دچار رکود نسبی می شود و بیشتر تفاسیری که در این حوزه نوشته شده، در واقع شرحی بر تفاسیر قبلی خصوصاً *انوارالتنزیل* بیضاوی است (درودی، ۱۳۶۲: ۱۲۵/۲).

اما در حوزه علمای شیعی در قرن دهم هجری، می توان به تفسیر *منهج الصادقین فی الزام المخالفین*

تألیف ملافتح الله کاشانی اشاره کرد. این تفسیر در سه جلد بزرگ در تبریز با چاپ سنگی منتشر شده است (مطهری، ۱۳۶۶: ۴۰۳).

همچنین می توان به تفسیر *تستری* تألیف سیدضیاءالدین نورالله از علمای شوستر متوفی ۹۲۵ قمری اشاره کرد که در یک جلد به زبان عربی و به شیوه کلامی و روایی نوشته شده است.

۱۱. قرن یازدهم هجری، ظهور تفاسیر روایی، کلامی، فلسفی، عرفانی

در قرن یازدهم می توان به تفسیر *ملاصدرا* شیرازی متوفی ۱۰۵۰ قمری اشاره کرد که تفسیر کاملی نیست و تفسیر برخی از سوره های قرآن است و به شیوه استدلالی و فلسفی و عرفانی است.

علاوه بر آن، در قرن یازدهم یکی دیگر از مفسرین شیعه به نام ملاحسن فیض کاشانی، تفسیر *صافی* را نوشت. وی داماد ملاصدرا بود و در قم می زیست و مدرسه فیضیه قم به نام او معروف است. وفات فیض در سال ۱۰۹۱ در شهر کاشان نزدیک قم اتفاق افتاد (مطهری، ۱۳۶۶: ۴۰۵).

همچنین در قرن یازدهم می توان به تفسیر *نورالتقلین* تألیف شیخ عبدالعلی بن جمعه حویزی است. وی معاصر علامه مجلسی و شیخ حر عاملی دو تن از فقهای مشهور شیعه بود و در شهر شیراز مسکن داشته است. سبک تفسیری وی روایی و استناد به نقل اخبار و احادیث است. وی تفسیر خود را در سال ۱۰۷۳ قمری به پایان رسانده است (مطهری، ۱۳۶۶: ۴۰۶).

همچنین تفسیر *شریف لاهیجی* متوفی ۱۰۸۸ قمری در چهار جلد به زبان فارسی در قرن یازدهم

است که از جمله آنها می‌توان به تفسیر *اثنی‌عشری* تألیف سید حسن شاه‌عبدالعظیمی متوفی ۱۳۸۴ قمری اشاره کرد که در چهاردهم جلد به زبان فارسی نوشته شده است. این تفسیر بر مبنای تفاسیر مهم شیعی گردآوری شده است.

همچنین تفسیر *بیان‌الفرقان* تألیف مجتبی قزوینی خراسانی متوفی ۱۳۶۸ قمری از دیگر تفاسیر قرن چهاردهم است که در پنج جلد به زبان فارسی نوشته شده است. شیوه این تفسیر به شیوه مکتب تفکیک که معارض فلاسفه است، نوشته شده است.

از دیگر تفاسیر قرن چهاردهم قمری می‌توان به تفسیر *القرآن‌الکریم* تألیف سیدمصطفی خمینی متوفی ۱۳۹۷ قمری اشاره کرد. این تفسیر در چهار جلد به زبان عربی و شیوه استدلالی و فلسفی و عرفانی است که شامل بخشی از قرآن است.

همچنین مرتضی مطهری که به سال ۱۳۹۹ قمری شهید شد، بخشی از سوره‌های قرآن را، به‌خصوص از اواخر جزء بیست‌وچهار تا نزدیک به پایان جزء سی تفسیر کرده است که به‌صورت جلد‌های پراکنده چاپ و منتشر شده است.

مهم‌ترین تفسیر قرن چهاردهم قمری در حوزه تشیع در ایران، *المیزان فی تفسیرالقرآن* تألیف علامه سید محمدحسین طباطبایی متولد ۱۳۳۱ و متوفی ۱۴۰۲ قمری است که در بیست جلد به زبان عربی تألیف شده و به شیوه قرآن به قرآن تفسیر شده است. این بیست جلد در چهل جلد به زبان فارسی و در بیست جلد به زبان ترکی (استانبولی) ترجمه شده است. همچنین در اواخر قرن چهاردهم قمری کتاب تفسیری در پانزده جلد توسط خانم نصرت اصفهانی

قمری نوشته شده است. این تفسیر نیز از روایات اهل بیت علیهم‌السلام بسیار بهره‌مند شده و رنگ و بوی کلامی دارد و عقاید کلامی امامیه را آورده است.

۱۲. قرن دوازدهم هجری، اخباری‌گری در تفسیر قرآن در قرن دوازدهم می‌توان به تفسیر *البرهان فی تفسیرالقرآن* اثر سید هاشم بحرانی متوفی ۱۱۰۷ قمری اشاره کرد. این تفسیر در پنج جلد منتشر شده است. مؤلف تفسیر از جمله اخباریین است که تفسیر قرآن را فقط با روایات واصله از اهل بیت علیهم‌السلام جایز می‌داند و تفسیر از طریق تدبر و اجتهاد را منع می‌کند (ایازی، ۱۳۸۷: ۲۰۱).

همچنین تفسیر *کنزالدقایق و بحرالغرائب* تألیف قمی مشهدی از علمای قرن دوازدهم قمری است که به زبان عربی نوشته شده است.

۱۳. قرن سیزدهم هجری، تک‌نگاری‌ها در تفسیر، شامل یک سوره قرآن

در قرن سیزدهم تفاسیر متعددی بر قرآن نوشته شده است که اکثر آنها تک‌نگاری بوده و شامل یک سوره از قرآن است و یا شرح و حواشی بر تفاسیر پیشین است. از جمله تفسیر *نوری* تألیف آخوند ملاعلی نوری متوفی ۱۲۴۶ قمری است که مجموعه تعلیقات و حواشی مؤلف بر تفسیر ملاصدرای شیرازی است. این تفسیر به زبان عربی و به شیوه فلسفی است.

۱۴. قرن چهاردهم هجری، دوره احیاگری، شکل‌گیری مجدد تفاسیر جامع و ادامه تک‌نگاری‌ها در قرن چهاردهم تفاسیر بسیاری در ایران نوشته شده

متولد ۱۳۰۸ و متوفی ۱۴۰۳ به نام *مخزن‌العرفان* به شیوه کلامی و استدلالی و روایی به زبان فارسی منتشر شده است.

همچنین تفسیر دو سوره مبارکه «حمد» و «علق» توسط سید روح‌الله موسوی خمینی به سبک عرفانی و فلسفی در اواخر قرن چهاردهم قمری انجام شده است.

علاوه بر آن، کتاب *البیان فی تفسیرالقرآن* در یک جلد به زبان عربی، شامل مقدمه‌ای در مباحث علوم قرآنی و تفسیر سوره مبارکه «حمد» به شیوه استدلالی و کلامی توسط سید ابوالقاسم موسوی خوبی متولد ۱۳۱۷ و متوفی ۱۴۱۳ قمری نوشته شده است.

مؤلف، روش اساسی خود را در مقدمه کتاب گوشزد نموده و آن عبارت است از روش قرآن به قرآن که مفهوم آیات قرآن را از آیات دیگر استفاده کرده و مفهوم هر کلمه قرآنی را از همان کلمه که در آیات دیگر به کار رفته است، استفاده می‌کند. همچنین وی در این روش به ظواهر آیات قرآن و به دلایل عقلی و روایت‌های قطعی یا معتبر تکیه می‌کند. مؤلف این کتاب معتقد است این روش اصیل تفسیری، بساط تفسیر به رأی و هرگونه تفسیر و تأویلی را که با ظواهر قرآن مخالفت دارد، درهم می‌پیچد و از تفسیرهایی که تاروپود آنها را روایات جعلی و شواهد بی‌اساس و بافتگی تشکیل می‌دهد، جلوگیری می‌نماید.

از دیگر آثار این قرن می‌توان به کتاب *پا به پای وحی* تألیف مهدی بازرگان (۱۲۸۶-۱۳۷۳ ش) اشاره کرد. ایشان روش تفسیری خود را تفسیر تدبری قرآن برحسب نزول نامیده است. وی می‌گوید: روش و سبک اتخاذ شده برای تدبر و تفسیر قرآن، تعلیم و تحقیق

است، نه تعبد و تحمیل. تکیه ما بر طبیعت مشهود و علوم تجربی و عینی است و به دنبال فلسفه و ذهنیات و عواطف و احساسات غیرقابل اثبات نیستیم. بهترین روش، تدبر در قرآن آن است که آیات را بر حسب نزول زمانی مورد بررسی قرار دهیم (بازرگان، ۱۳۷۴: ۱/ مقدمه). این تفسیر در دو جلد تنظیم و ارائه شده است و یک سال پس از فوت مؤلف در سال ۱۳۷۴ منتشر شده است.

همچنین تفسیر نمونه در بیست‌وهفت جلد به زبان فارسی توسط ناصر مکارم شیرازی و گروهی از دانشمندان تألیف شده که به زبان‌های عربی، انگلیسی و اردو نیز ترجمه شده است.

ب. مهم‌ترین تفاسیر قرآنی تألیف شده توسط ایرانیان تفاسیری که توسط ایرانیان بر قرآن مجید نوشته شده است، بخش مهمی از منابع فرهنگی دانش‌های مسلمین محسوب می‌شود. ذیلاً به بررسی اهم آنها می‌پردازیم:

۱. *جامع البیان فی تفسیرالقرآن*، طبری، عربی، ترجمه شده به فارسی، قرن سوم هجری

محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب طبری، اهل آمل مازندران، متولد ۲۲۴ و متوفی ۳۱۰ قمری در بغداد، از مفسران بنام و بزرگ اهل سنت است. وی از خردسالی به قرآن و آموختن آن همت گماشت و در راه تحصیل علم و توسعه معلومات، به مسافرت‌های بسیاری اقدام کرد و کشورهای بسیاری چون عراق، سوریه، مصر، آسیای صغیر و هندوستان را سیاحت کرد. طبری از نظر روش فقهی ابتدا تابع شافعی بود اما بعدها خود مکتب فقهی مستقلی تأسیس کرد و از

هیچ‌یک از پیشوایان فقه اهل تسنن پیروی نکرد. مذهب فقهی او جریریه نام داشت و تا مدتی پیروانی داشت لکن تدریجاً از بین رفت (مطهری، ۱۳۶۶: ۴۰۲).

طبری آثار و تألیفات فراوانی نگاشته که از این میان کتاب تاریخ و تفسیر وی مشهور گشته و در لسان اهل فن به *ام‌التواریخ* و *ام‌التفاسیر* معروف گشته است. طبری اقوال پیشینیان را با ذکر سند می‌آورد که این خود موجب اعتبار نقل وی می‌گردد؛ ولی در موارد بسیاری هم از افراد ضعیف یا مجهول‌الحال روایت می‌کند. عمده ضعف این تفسیر، وجود انبوهی از روایات اسرائیلی است. از این رو وی را از محدثان افراط‌کار در نقل حدیث بر شمرده‌اند که روایات او، به‌ویژه روایات تفسیری‌اش، به نقد و بررسی گسترده‌ای نیاز دارد. باین‌حال تفسیر طبری منبع سرشاری است از گفته‌ها و نظریات پیشینیان که آن را برای همه ادوار به ارمغان گذاشته است و شاید اگر چنین دائرةالمعارف تفسیری وجود نداشت، چه‌بسا که بسیاری از آراء و نظریات پیشینیان از میان رفته بود. از دیگر نکات مهم پیرامون این تفسیر، فقهی بودن آن است که به طور مناسبی وارد مباحث فقهی شده است. افکار کلامی طبری نیز در ضمن تفسیرش کاملاً هویدا است (درودی، ۱۳۶۲: ۱۱۵/۱). تفسیر طبری به زبان عربی نوشته شده ولی در قرن چهارم قمری به دستور نوح بن نصر سامانی، توسط بلعمی از عربی به فارسی ترجمه شده است. این تفسیر اکنون در سی‌ویک جلد چاپ شده است.

۲. تفسیر عیاشی، عیاشی سمرقندی، عربی، قرن سوم و چهارم هجری  
در *المهرست* ابن ندیم، تألیف بیش از صدوپنجاه جلد

کتاب به وی نسبت داده شده و نام برده شده است (ابن‌ندیم، ۱۳۴۶: ۳۶۱). جعفر بن محمد بن مسعود عیاشی سمرقندی در انواع رشته‌های علمی همچون فقه، حدیث، طب، نجوم و غیره مهارت داشت. وی فقیهی معروف و معاصر علی بن بابویه قمی (متوفی ۳۳۹ ق) است و صاحب تفسیر معروف است. وی مردی جامع بود و اگرچه شهرتش به تفسیر او است، او را از فقها بر شمرده‌اند (مطهری، ۱۳۶۰: ۷۸) زرکلی در *اعلام خود* تاریخ وفات عیاشی را ۳۲۰ قمری ذکر کرده است.

تفسیر عیاشی همچون دیگر آثار امامیه در این دوره، جنبه روایی دارد. از تفسیر او تنها نیمی از آن؛ از سوره مبارکه «حمد» تا سوره مبارکه «کف» موجود است و نخستین بار در سال ۱۲۸۰ قمری در دو جلد به زبان عربی با مقدمه علامه طباطبایی در قم چاپ شده است. علامه در مقدمه این تفسیر می‌گوید: «تا حال که یازده قرن از نگارش این تفسیر سپری می‌گردد، احدی از فحول و بزرگان بر این تفسیر ایراد نگرفته و همه او را ستوده‌اند.»

۳. *التبیان فی تفسیر القرآن*، شیخ طوسی، عربی، قرن پنجم هجری

این تفسیر اثر ابو جعفر محمد بن حسن طوسی ملقب به شیخ الطائفه (۳۸۵-۴۶۰ ق) است. تبیان نخستین تفسیر جامع و فراگیر شیعی است که به بحث‌های علوم قرآنی و تفسیری به طور اجتهادی می‌پردازد و از دایره نقل و تفسیر روایی و اثری خارج می‌شود.

مؤلف در این کتاب با تکیه بر عقل، اندیشه‌ها و یافته‌های عالمان پیشین و روایات گزارش شده را به نقد و تحلیل می‌کشاند. روش شیخ طوسی در تفسیر در

۶. *تفسیر الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. جارالله

زمخشری، عربی، قرن ششم هجری

ابوالقاسم محمود بن عمر خوارزمی در سال ۴۶۷ قمری در یکی از روستاهای خوارزم به دنیا آمد و در سال ۵۳۸ قمری در یکی از روستاهای خوارزم به نام گرگانج فوت کرد. زمخشری تحصیلات مقدماتی اش را در زادگاه خود و در محضر پدر و دیگر عالمان آن دیار فراگرفت. آنگاه برای تکمیل دروس خود به خوارزم، بخارا و خراسان رفت. پس از اندک مدتی راهی مکه شد و مدت زیادی در آنجا اقامت گزید و به علت شیفتگی و عشقش به آن دیار به جارالله ملقب گشت. وی در پایان عمر، دوباره به سوی زادگاهش سفر کرد و در همان جا از دنیا رفت.

زمخشری در اندیشه و اعتقاد، معتزلی بود و آشکارا آن را برملا می ساخت و تفسیرش را نیز بر همان سبک بنیان نهاد. وی در زبان عربی چیره دست بود؛ بر لغت، اشعار و نیز علوم بلاغت، بیان، نحو و اعراب تسلطی کامل داشت. این برجستگی و نبوغ علمی و ادبی او باعث گردید تا تفسیر ارزشمند *کشاف* در روشنگری و کشف بلاغت و سحر بیان قرآن و زیبایی جمال قرآن، بی نظیر باشد. وی در این تفسیر به ذکر خصوصیات صرفی، نحوی، معانی، بیان، قرائت و شأن نزول آیات پرداخته است. *تفسیر کشاف* تقریباً عاری از اسرائیلیات می باشد. این تفسیر به زبان عربی بوده و در چهار جلد به چاپ رسیده است.

۷. *تفسیر روض الجنان و روح الجنان*، ابوالفتوح رازی،

فارسی، قرن ششم هجری

جمال الدین ابوالفتوح حسین بن علی بن محمد بن احمد

کنار تبیین و توضیح معانی آیات، عرضه اقوال گوناگون عقیدتی و کلامی است. وی توجه خاصی به مباحث لغوی و اشتقاق کلمات و قرائت آیات دارد. قصص و تاریخ امت های پیشین را نیز نقل و ارزیابی می کند و آنچه به نظر وی ضعیف می رسد را طرد می کند. این تفسیر به زبان عربی در ده جلد منتشر شده است.

۴. *تاج التراجم فی تفسیر القرآن للأعاجم* (تفسیر

*اسفرائینی*)، اسفرائینی، فارسی، قرن پنجم هجری

نویسنده تفسیر *اسفرائینی*، ابوالمظفر بن شاهپور اسفرائینی (م. ۴۷۱ ق) است. این تفسیر به زبان فارسی است و در پنج جلد نوشته شده است. به علت قدمت زمانی و شیوه ای که در ترجمه آیات دارد، بر تفسیرهای فارسی پس از خود تأثیر گذاشته است. این تفسیر به نشان دادن رابطه پنهان و نظم آیات و پیوند موضوعی آنها اهتمام ورزیده است و قصه ها را به تفصیل بیان می دارد.

۵. *تفسیر التفاسیر* (تفسیر سورآبادی)، عتیق نیشابوری،

فارسی، قرن پنجم هجری

این تفسیر در سال ۴۷۰ قمری در زمان آلبارسلان سلجوقی توسط ابوبکر عتیق نیشابوری نوشته شده است. تفسیر شامل تمام آیات قرآن است و بر مبنای روایات عبدالله بن عباس است. این تفسیر از لحاظ نثر، ساده و روان است و بهترین نمونه نثر فارسی قرن پنجم هجری قمری است. کهن ترین نسخه های آن در دیوان هند، کتابخانه بریتانیا و شهر بارسای ترکیه موجود است. اخیراً در سال ۱۳۸۱ شمسی (۲۰۰۲ م) نسخه دیوان هند این تفسیر در پنج جلد در ایران چاپ و منتشر گردیده است.

خزاعی رازی (متوفی ۵۵۲ ق)، از نوادگان نافع بن بدیل خزاعی از صحابه معروف پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. وی در سده ششم قمری در ری می‌زیسته است.

تفسیر وی یکی از قدیمی‌ترین تفاسیر فارسی شیعه است. این کتاب بیشتر جنبه وعظ و تنبیه دارد، اما در عین حال شامل توضیحات ادبی دقیق درباره صرف و نحو و لغت عرب و نیز تعلیماتی در استدلال در معانی و بیان، شعر و اصول فقه است. این تفسیر موقعیت والایی در میان کتب تفسیری دارد و بسیاری از تفاسیر دیگر، مبانی و اساس مستحکم این تفسیر را مبنای کار خود قرار داده‌اند. به‌عنوان مثال فخر رازی تفسیر کبیر خود را بر اساس تفسیر ابوالفتوح رازی بنا نموده است.

ابوالفتوح در روش تفسیری خود از عقل و نقل استفاده می‌کند. در زمینه اخبار و ذکر احادیث، خود را محدود به منابع شیعی نکرده است، بلکه هم از منابع و جوامع روایی شیعه و هم از جوامع اهل سنت استفاده می‌کند.

۸. مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، امین‌الإسلام طبرسی، عربی، قرن ششم هجری

مؤلف آن ابوعلی فضل بن حسن بن فضل طبرسی (۴۶۸-۵۴۸ ق) منسوب به طبرس؛ معرب تفرش است که شهری آباد نزدیک ساوه است. امین‌الإسلام طبرسی، از علوم متنوع زمان خویش مانند فقه، کلام، سیره، تاریخ و تفسیر برخوردار و کاملاً بهره‌مند بوده است و در همه این عناوین، کتاب و رساله نوشته است، ولی شهرت و اعتبار علمی او با تفسیر و علوم قرآنی به‌ویژه مجمع‌البیان می‌باشد.

تفسیر مجمع‌البیان یکی از مهم‌ترین و ارجمندترین تفاسیر جهان اسلام است که دانشمندان شیعه و سنی آن را مورد توجه قرار داده‌اند و از آن به‌عنوان یکی از منابع تفسیر یاد کرده‌اند. شیخ شلتوت مفتی بزرگ اهل سنت در مقدمه‌ای که بر این تفسیر نگاشته است، می‌نویسد: «مجمع‌البیان در میان کتاب‌های تفسیری بی‌همتا است. این تفسیر با گستردگی، ژرفا و تنوع در مطالب و تفسیر، تبویب و ترتیب، دارای ویژگی و امتیازی است که در میان تفاسیر پیش از وی بی‌نظیر و در میان آثار پس از آن کم‌نظیر است.»

طبرسی در تفسیر خود هفت مقدمه آورده و در آنها تعداد آیات قرآن، اسامی قاریان مشهور، بیان معرفی تفسیر و تأویل، اسامی قرآن، علوم قرآنی، فضیلت قرائت و کیفیت تلاوت آیات را بیان کرده است و محفوظ ماندن قرآن را از تحریف و زیادت و نقصان، اثبات نموده است.

مجمع‌البیان شامل مباحثی چون قرائت، اعراب، لغات، ذکر موارد معانی و بیان، شأن نزول آیات، اخبار وارده در آیات و شرح و تبیین قصص و حکایات است. مجمع‌البیان در موارد بسیاری از تبیان شیخ طوسی متأثر شده است و از تفسیر ابوالفتوح رازی نیز بهره‌مند شده است.

۹. مفاتیح‌الغیب (تفسیر کبیر)، فخر رازی، عربی، قرن ششم هجری

فخرالدین محمد بن عمر بن حسین رازی، معروف به ابن خطیب، از متکلمان و مفسران بزرگ اسلام در قرن ششم قمری است. اصالت او از طبرستان بود ولی

قرائت‌های مختلف در آیات را رسیدگی می‌کند. به تبیین نظم و ترتیب و تناسب سوره‌ها و آیات توجه شایان دارد و شاید بتوان گفت که او از نخستین مفسرانی است که به مسأله تناسب آیات اهمیت داده است. تفسیر *مفاتیح‌الغیب* به عربی نوشته شده و در هشت جلد به چاپ رسیده است (فتح‌الهی، ۱۳۸۹: ۲۵۲).

۱۰. تفسیر *کشف‌الأسرار* و *عده‌الأبرار*، میبیدی یزدی، فارسی، قرن ششم هجری

این تفسیر تألیف ابوالفضل رشیدالدین میبیدی یزدی است. وی در اواخر قرن پنجم و اوایل قرن ششم می‌زیسته است. این تفسیر شرحی است بر تفسیر *سیره فی‌التصوف* اثر خواجه عبدالله انصاری. *کشف‌الأسرار* اینک به‌عنوان متون عرفانی در دانشگاه‌های ایران تدریس می‌شود. این تفسیر فارسی است و شامل ده جلد می‌باشد.

۱۱. تفسیر *أنوارالتنزیل* و *أسرارالتأویل*، بیضاوی، عربی، قرن هفتم هجری

قاضی ناصرالدین ابوالخیر عبدالله بن عمر بن محمدعلی بیضاوی شافعی از دانشمندان معروف قرن هفتم قمری، منسوب به شهر بیضاء در استان فارس است. وی سمت قضاوت شیراز را بر عهده گرفت؛ و پس از ترک منصب قضا در شیراز رحل اقامت در تبریز افکند و در سال ۶۸۵ قمری در همان‌جا از دنیا رفت. تفسیر بیضاوی از همان روزهای نخست انتشار مورد توجه دانشمندان و حوزه‌های علوم اسلامی قرار گرفت و مورد تدریس، شرح و حاشیه واقع شد. گزیده‌گویی، دقت فراوان در

پدرش به ری آمد و در آنجا ساکن شد و به همین علت به رازی شهرت یافت. وی در مراغه تحصیل نمود، سپس به خوارزم رفت و در آنجا با معتزله به مناظره پرداخت تا عوام بر وی شوریدند و او را از آنجا اخراج کردند. پس به ری بازگشت.

رازی در علم کلام و مناظره، دستی قوی داشت و کسی را یارای مناظره با وی نبود. اندیشه پرتحرک و تحلیل‌گر و نقاد او، آوازه جهان اسلام شد. تا آنجا که او را امام‌المشکین می‌خواندند. تفسیر وی از بزرگ‌ترین کتاب‌های تفسیری است که مؤلف در آن با توجه به توانایی و مهارتش در علوم گوناگون، به جوانب مختلف کلام خدا پرداخته است.

وی با ارائه این تفسیر، اندیشه اشعری‌گری را چهارچوبی منطقی داد و کفه ترازوی تفاسیر بزرگ را، از تفسیرهای معتزله به نفع تفاسیر اشاعره سنگینی بخشید. فخر رازی تفسیر *مفاتیح‌الغیب* را در سال‌های پایان عمرش نگاشته؛ بنابراین حاصل تجربیات علمی و سپری کردن دورانی از فراز و نشیب‌های فکری اوست.

انگیزه نگارش او از این تفسیر روشن نیست، اما برخی از شواهد حکایت از این نکته می‌کند که او از روش روی‌آوری به فلسفه و کلام و قیل‌وقال مدرسه به آن شکل گسترده، به ستوه آمده بود و ترجیح می‌داد که رو به سوی قرآن آورد. وی ضمن وصیت خود چند ماه پیش از مرگش می‌نویسد: «من راه‌ها و روش‌های کلامی و فلسفی را آزمایش کردم، اما در آنها فایده‌ای به‌سان فایده‌ای که در قرآن بود نیافتم.»

فخر رازی برای عقل جایگاه بلندی در استنباط قائل است، اما از روش‌های عرفانی در کشف حقایق غافل نیست. از حدیث و نقل بهره فراوان برده است.



(متوفی ۱۰۸۸ ق) است. این تفسیر در چهار جلد قطور به زبان فارسی نوشته شده است. تفسیر طبق مذاق اهل حدیث و روایت نوشته شده است؛ هرچند مشرب فکری شریف لاهیجی حکمی و فلسفی بوده است. وی پس از ترجمه تحت‌اللفظی آیات، به ذکر روایات مرتبط با آیات می‌پردازد. وی در تفسیر خود، به نقد آرای کلامی اشاعره و معتزله پرداخته و آنها را رد کرده و تفسیر خود را بر مبنای عقاید کلامی شیعه امامیه نوشته است (خرم‌شاهی، ۱۳۷۷: ۷۱۸/۱). شریف لاهیجی در تفسیر خود به نقل و بیان روایات اهل‌بیت علیهم السلام عنایت بسیار دارد و کلمات آنان را از کتاب‌های معتبر شیعه نقل نموده است. همچنین مفسر به دلیل احاطه کامل بر اقوال مفسرین، در مواردی به تنافی بین اقوال اشاره کرده است (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳: ۱/مقدمه).

۱۴. تفسیر صافی، فیض کاشانی، عربی، قرن یازدهم هجری  
ملاحسن محمد بن مرتضی معروف به فیض کاشانی (۱۰۰۷-۱۰۹۱ هـ.ق) یکی از استوانه‌های بلند علمی، فقهی و حدیثی قرن یازدهم قمری می‌باشد که در بین علمای اسلام از منزلت و مرتبت بلندی برخوردار است. ایشان در کاشان دیده به جهان گشود و در آن شهر مدارج علمی را طی کرد و آوازه‌ای به‌سزا یافت. فیض سه تفسیر بزرگ، متوسط و کوچک به نام‌های صافی، اصفی و مصفی دارد.

تفسیر صافی یکی از بزرگ‌ترین و معروف‌ترین تفاسیر رایج در مجامع شیعه می‌باشد. مؤلف آن در آغاز تفسیر، مقدمه‌ای مشتمل بر دوازده فصل نگاشته و در آن از شئون مختلف قرآن و فضیلت آن، ثواب تلاوت

تبین جمله‌ها و توجه شایسته به آیات متشابه، از ویژگی‌های این تفسیر است.

این تفسیر اساساً مختصر و خلاصه تفسیر کشاف زمخشری است؛ ولی از تفسیر کبیر فخر رازی و همچنین از تفسیر راغب اصفهانی نیز بهره گرفته است و پاره‌ای از اقوال و آرای صحابه و تابعان را نیز می‌توان در آن یافت. امتیاز برجسته این تفسیر آن است که اخبار و روایات اسرائیلی را، جز اندکی، نیاورده است و گاهی هم که روایتی می‌آورد در آغاز روایت می‌گوید: «گفته‌اند» یا «روایت کرده‌اند»؛ و به این صورت می‌خواهد ضعف روایت را بر خواننده روشن سازد. این تفسیر در چهار جلد نوشته شده است و افزون بر سی‌وینج شرح و حاشیه بر آن نوشته شده است.

۱۲. تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان (تفسیر نیشابوری)، نظام اعرج، عربی، قرن هشتم هجری  
این تفسیر در ردیف تفاسیر درجه اول اهل تسنن به شمار می‌رود. مؤلف این تفسیر، حسن بن محمد بن حسین معروف به نظام نیشابوری یا نظام اعرج است. نظام اهل قم و ساکن نیشابور بوده است. وی مردی جامع بود؛ در ریاضیات و ادبیات نیز تألیفاتی داشت. وفات او در حدود سال ۷۳۰ قمری واقع شده است. تفسیر وی که گلچینی از تفسیر فخر رازی و کشاف است، در ده جلد به چاپ رسیده است (مطهری، ۱۳۶۶: ۴۰۱).

۱۳. تفسیر شریف لاهیجی، شریف لاهیجی، فارسی.  
قرن یازدهم هجری  
مؤلف تفسیر محمد بن علی مشهور به شریف لاهیجی

آیات و تفسیر و تأویل سخن گفته است. این تفسیر آمیزه‌ای از روایت و درایت، نقل و عقل است. در ارائه نکات ادبی و بلاغی، به تفسیر بیضاوی عنایت ویژه‌ای داشته است. در این زمینه، از متن عبارات تفسیر بیضاوی استفاده می‌کند و گاه بدون یک کلمه اضافه، همان عبارت بیضاوی را در شرح کلمات و تفسیر آیه می‌آورد.

در مجموع این تفسیر از جمله تفاسیری است که نزدیک به همه روایات اهل بیت علیهم السلام در ارتباط با تفسیر یا تأویل آیات، در آن گرد آمده است؛ اما متأسفانه تعداد زیادی از اسرائیلیات و احادیث ضعیف نیز در این تفسیر دیده می‌شود و در پاره‌ای از موارد هم سخنانی عرفانی بر قلم رانده است که ظاهراً تأویل آیه است.

۱۵. تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، قمی مشهدی، عربی، قرن دوازدهم هجری

مؤلف آن محمد بن محمد رضا بن اسماعیل بن جمال‌الدین قمی معروف به مشهدی (متوفی ۱۱۲۵ ق) از علمای قرن دوازدهم قمری است که در قم دیده به جهان گشوده است. علت شهرت وی به مشهدی آن

است که در جوار مرقد امام رضا علیه السلام در مشهد اقامت گزید و تا پایان عمر نیز در همان جا ماندگار شد.

این تفسیر در حقیقت چکیده مهم‌ترین تفاسیر شیعه امامیه است. سبک تفسیری او جمع میان عقل و نقل است؛ چنان که روایات منقول از اهل بیت علیهم السلام را با ذکر سند آورده و در پی آن، نظر خود و یا آنچه را که در کتب و آثار دیگر یافته، نگاشته است و با تأسی از روش استاد خود فیض کاشانی، در موضوعات عرفانی، ادبی و کلامی دست به قلم برده و از آنها در

تفسیر خود استفاده کرده است.

این تفسیر نزد علمای امامیه اعتبار خاصی دارد و حتی آن را نافع‌تر از تفسیر صافی و تفسیر نورالتقلین برشمرده‌اند (عقیقی‌بخشایشی، ۱۳۷۱: ۳/۳۷۲).

۱۶. البرهان فی تفسیر القرآن، سیدهاشم بحرانی، عربی، قرن دوازدهم هجری

مؤلف آن سیدهاشم بحرانی (متوفی ۱۱۰۷ ق) است. این کتاب مشتمل بر بسیاری از روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام است. مؤلف بعد از آوردن نام سوره، به محل نزول و فضیلت سوره و تعداد آیات اشاره می‌کند و سپس آیاتی را که دارای روایت تفسیری هستند، ذکر می‌کند. مفسر معتقد است که در فهم اسرار و حقایق قرآن، فقط باید به نظرات تفسیری و بیان اهل بیت علیهم السلام اکتفا شود، لذا اقدام به جمع‌آوری روایات تفسیری اهل بیت علیهم السلام نموده است. این تفسیر در پنج جلد به زبان عربی منتشر شده است (تهرانی، ۱۴۰۵: ۳/۹۳).

ج. تفاسیر معاصر قرآن کریم در ایران

منظور از تفاسیر معاصر، تفسیرهایی هستند که از ابتدای قرن چهاردهم قمری به بعد در ایران نوشته شده‌اند. در این قسمت به معرفی مهم‌ترین آنها می‌پردازیم؛ اما قبل از ورود به معرفی تفاسیر، ذکر یک نکته حائز اهمیت است. متأسفانه از قرن دوازدهم قمری به بعد، آثار چندانی در حوزه تفاسیر اهل سنت در ایران دیده نمی‌شود. شاید سال‌های پایانی قرن بیستم و کشمکش‌های جنگ سرد و فضای بی‌دینی که در اکثر کشورهای خاورمیانه دیده می‌شد، یکی از عوامل باشد.

طباطبایی است. ویژگی مهم این تفسیر، به‌کارگیری روش تفسیر قرآن به قرآن است. علامه در آغاز تفسیر، مقدمه‌ای نگاشته و در آن، نگاهی اجمالی به سیر تطور تفسیر و روش‌های آن دارد. یکی دیگر از ابعاد چشم‌گیر *المیزان*، جامع‌گرایی تفسیر است.

علامه در تفسیر خود، مباحثی چون حکومت، آزادی، عدالت اجتماعی، نظم اجتماعی، مشکلات امت اسلامی، علل عقب‌ماندگی مسلمانان، حقوق زنان و ... را مطرح کرده است که نشان می‌دهد ایشان به مسائل اجتماعی بهای لازم را می‌دهند و به قرآن تنها از بعد فردی نگاه نمی‌کنند. در این تفسیر ارزشمند، توجه خاصی به دفع شبهات و پاسخ به اشکالات مخالفان به‌خصوص ماتریالیست‌ها و مستشرقین شده است. یکی دیگر از نکات برجسته *المیزان*، جمع میان دو روش تفسیری موضوعی و ترتیبی و توجه کامل به مسأله وحدت موضوعی حاکم بر قرآن است؛ ایشان قرآن را آیه به آیه و سوره به سوره تفسیر نموده‌اند، ولی در هر بخش، آیات مربوط و متناسب با موضوع آن را که در قرآن پراکنده است، می‌آورد تا درباره آن موضوع به طور جامع بحث و گفت‌وگو کند.

این تفسیر در بیست جلد به زبان عربی نوشته شده است و سپس توسط شاگردان ایشان به فارسی ترجمه شده است. همچنین هر بیست جلد آن به زبان ترکی (استانبولی) ترجمه و منتشر شده است.

۲. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، فارسی، عربی، انگلیسی و اردو

این تفسیر اثر ناصر مکارم شیرازی (متولد ۱۳۰۷ ش) و گروهی از مفسرین می‌باشد. تفسیر نمونه از

همچنین تغییر شرایط زندگی اجتماعی و اقتصادی کشورهای مسلمان تحت تأثیر افکار غربی و ماتریالیستی نیز در این مسأله بی‌تأثیر نبوده است. به نظر می‌رسد تقویت حوزه‌های علمی دینی اهل سنت در ایران، تقویت نهادهای آموزشی و فرهنگی و دینی در مناطق سنی‌نشین می‌تواند در جبران این نقیصه مؤثر باشد و می‌توان در سال‌های آتی شاهد ظهور علمای برجسته اهل سنت در حوزه تفسیر قرآن و تألیف و نشر آثار ارزشمند قرآنی در ایران بود.

اما تلاش‌های تفسیری در حوزه‌های علمیه شیعه امامیه همچنان ادامه داشته است. ذیلاً به بررسی اهم تفاسیر معاصر شیعه امامیه در ایران می‌پردازیم:

۱. *المیزان فی تفسیر القرآن*، سیدمحمدحسین طباطبایی، عربی، فارسی و ترکی

علامه سیدمحمدحسین طباطبایی (۱۳۲۱-۱۴۰۲ ق) مفسر قرآن و فیلسوف و اسلام‌شناس بزرگ دوران معاصر، یکی از چهره‌های بارز و کم‌نظیر جهان اسلام است. ایشان در زادگاه خود تبریز، تحصیلات مقدماتی را دنبال نمودند و پس از اتمام اولین مراحل علمی، رهسپار نجف اشرف شد و ده سال در آن مرکز بزرگ تشیع به تکمیل معلومات خود در شعب مختلف علوم اسلامی پرداخت.

فقه و اصول را نزد استادان معروفی همچون نائینی و اصفهانی (کمپانی) و فلسفه را نزد سیدحسین بادکوبه‌ای و ریاضیات را نزد آقاسیدابوالقاسم خوانساری و اخلاق و عرفان را در محضر حاج میرزاعلی قاضی طباطبایی بزرگ تلمذ نمودند.

تفسیر *المیزان* یک از بزرگ‌ترین آثار علامه

در این تفسیر، کارآمدترین و بهترین روش تفسیری، تفسیر قرآن به قرآن معرفی می‌شود و مفسر، این روش را روش اهل بیت علیهم السلام می‌داند که در این روش، هر آیه با تدبر در آیات دیگر شکوفا می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۶۱/۱).

این تفسیر به زبان فارسی تألیف می‌شود و مجموعه‌ای هشتاد جلدی خواهد بود که تاکنون چهار و چهار جلد آن منتشر شده است و بقیه مجلدات در حال انتشار است.

۴. *تفسیر مفاهیم القرآن*، جعفر سبحانی، عربی و فارسی نویسنده این تفسیر جعفر سبحانی تبریزی (متولد ۱۳۰۸ ش) می‌باشد. او در این کتاب ابتدا پیرامون موضوع بحث توضیح داده و سپس به ذکر آیات مرتبط با آن می‌پردازد. نیز از روایات متناسب با موضوع نیز استفاده کرده و نظرات دانشمندان جدید را مطرح و به نقد و بررسی آنها می‌پردازد و پاسخ شبهات را می‌دهد.

این کتاب به روش تفسیر موضوعی بوده و به زبان عربی می‌باشد که در هفت جلد نگارش و چاپ شده است. سپس مؤلف مجدداً با شرح و تفصیل و اضافاتی، تفسیر خود را به زبان فارسی با نام *منشور جاوید* برگردانده است که در چهارده جلد چاپ شده است.

۵. *تفسیر احسن الحدیث سیدعلی اکبر قرشی*، فارسی این تفسیر نگارش سیدعلی اکبر قرشی (متولد ۱۳۰۷ ش) یکی از علمای معاصر آذربایجان ایران می‌باشد. مؤلف این تفسیر، نویسنده کتاب *ارزشمند دیگری* به نام *قاموس قرآن* در هفت جلد است که در آن به سبک *مفردات راغب*، الفاظ قرآن را تحقیق و بررسی کرده

متداول‌ترین تفاسیر فارسی عصر ما است که به زبان ساده و گویا و قابل استفاده برای عموم به نگارش درآمده و مورد استقبال افشار مختلف قرار گرفته است. این تفسیر، کامل و شامل تمام قرآن و با ویژگی عصری و اجتماعی بودن در میان قرآن‌پژوهان مطرح است. در روش ارائه مطالب و تحلیل و ذکر وجوه و احتمالات، متأثر از تفاسیری همچون *المیزان* و *تفسیر مراعی* است و شیوه آن چنین است که در آغاز پس از بیان کلی و عام در هر سوره، به سبک و سیاق و موضوعات مهم مطرح شده در سوره اشاره می‌کند. آنگاه به مضمون آیه پرداخته و با روش بیانی و تحلیلی در تفسیر، مسائل زندگی و مباحث مربوط به هدایت انسان تشریح می‌گردد. این تفسیر در بیست و هفت جلد به زبان فارسی نوشته شده و به زبان‌های عربی، انگلیسی و اردو ترجمه شده و در تهران در دارالکتب‌الاسلامیه به چاپ رسیده است.

۳. *تفسیر تسنیم*، عبدالله جوادی آملی، فارسی

این تفسیر نوشته عبدالله جوادی آملی (متولد ۱۳۱۲ ش) است. این تفسیر در سال ۲۰۰۶ میلادی از سوی آیسسکو به عنوان تحقیق برتر در عرصه مطالعات اسلامی و قرآنی برگزیده شد. این تفسیر، مفصل‌ترین تفسیری است که در ایران نوشته می‌شود.

این تفسیر بهره‌مند از گفت‌وگو معرفت‌شناسانه معاصر است و اصطلاحات منطقی و فلسفی و عرفانی متداول را می‌توان در آن دید. در عین حال به مباحث کلامی جدید مانند پلورالیسم و سکولاریسم نیز می‌پردازد. همچنین مفسر در لابه‌لای تفسیر، مباحث علوم قرآنی را مطرح و دیدگاه‌های خود را عرضه می‌دارد.

می‌باشد که شامل همه آیات قرآن نمی‌گردد. این تفسیر از آغاز قرآن تا آیه بیست‌وهشتم سوره مبارکه نساء و تمام جزء سی‌ام قرآن را در بر دارد. وجه ممتاز این تفسیر، جنبه هدایتی و تربیتی آن است که با نثری مناسب حال خوانندگان فارسی‌زبان و به داعیه بازگشت به قرآن، نوشته شده است. این تفسیر گرایش تحلیلی و توصیفی دارد. از نکات قابل توجه این تفسیر، توجه به مسائل علمی و انطباق آن با قرآن است که می‌توان این تفسیر را از تفاسیر علمی و عصری و اجتماعی معرفی کرد. این تفسیر به زبان فارسی نوشته شده است و در شش جلد در تهران به چاپ رسیده است.

#### ۸. تفسیر نوین، محمدتقی شریعتی، فارسی

این تفسیر اثر محمدتقی شریعتی (۱۲۸۶-۱۳۶۶ ش) می‌باشد. جهت‌گیری و روش تفسیر او اجتماع‌گرایی و تجدید حیات نخستین مسلمین و تحقق قرآن در زندگی آنها بود. پس از مقدمه مفید و ارزنده در آغاز هر سوره، نام سوره و شماره و ترتیب و آیات و محل نزول را ذکر می‌کند. سپس یکایک آیات را می‌نویسد و در برابر آن، ترجمه روان همراه با اندکی تفسیر را می‌آورد و آنگاه به بحث تناسب و شأن نزول و استخراج پیام و تفسیر معانی می‌پردازد. در تفسیر، مباحث لفظی و ادبی و نکات تاریخی و اجتماعی و برداشت‌های علمی فراوان دیده می‌شود. این تفسیر، تفسیر جزء سی‌ام قرآن است که برای نخستین بار در سال ۱۳۴۶ در تهران و در یک مجلد به زبان فارسی منتشر شده است.

#### ۹. مخزن‌العرفان، سیده نصرت‌امین، فارسی

این تفسیر عرفانی، اثر سیده نصرت‌امین معروف به

است و لذا در تفسیر *أحسن‌الحديث* نیز به این کتاب و سایر کتب لغت ارجاع می‌دهد.

مؤلف تفسیر خود را به روش قرآن به قرآن به رشته تحریر درآورده است. این تفسیر به زبان فارسی و قابل فهم همگان است و کل آیات قرآن را شامل می‌شود و در طی نه سال به رشته نگارش درآمده و در سال ۱۳۶۵ شمسی در دوازده جلد چاپ و منتشر شده است (قرشی، ۱۳۷۷: مقدمه).

#### ۶. تفسیر راهنما، اکبر هاشمی رفسنجانی، فارسی

این تفسیر به همت اکبر هاشمی رفسنجانی (۱۳۱۲-۱۳۹۵ ش) و جمعی از محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن در ایران نوشته شده است. این تفسیر در چهار مرحله انجام شده است:

۱. تفسیر ترتیبی؛ یعنی ارائه برداشت‌های قرآن به ترتیب سوره‌ها که با نام تفسیر راهنما در دفتر تبلیغات اسلامی قم به چاپ رسیده است. ۲. فرهنگ موضوعی قرآن ۳. تهیه بانک اطلاعات معارف قرآن کریم ۴. تفسیر موضوعی.

روش تنظیم تفسیر راهنما به شرح ذیل است: ذکر تمام آیه، برداشت از آیه همراه با توضیح آن، برداشت از روایت‌هایی که مربوط به متن آیه است، فهرست عناوین برداشت‌های تفسیری که در پایان هر آیه و در آخر هر مجلد ذکر گردیده است. این تفسیر به زبان فارسی و حاصل کار گروهی است و بالغ بر بیست جلد می‌شود.

#### ۷. پرتوی از قرآن، سید محمود طالقانی، فارسی

این تفسیر اثر سید محمود طالقانی (۱۲۸۶-۱۳۵۸ ش)

۱۲. تفسیر کاشف، سیدمحمدباقر حجتی و عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، فارسی

نویسندگان این تفسیر دو تن از استادان معاصر دانشکده الهیات دانشگاه تهران به نام‌های سیدمحمدباقر حجتی (متولد ۱۳۱۱ ش) و عبدالکریم بی‌آزار شیرازی (متولد ۱۳۲۳ ش) هستند. در تفسیر کاشف با اعتقاد به نظریه ساختار هندسی سوره‌ها سعی شده است تا برای هر سوره، نموداری ترسیم شود و سپس برای هر سوره مقدمه، مقاصد و خاتمه ذکر شود و در نهایت محتوای هر سوره و آیات به‌ظاهر پراکنده آن، در چهارچوب آن قرار گیرد. این تفسیر در پی اثبات ترابط و پیوستگی معانی و مفاهیم آیات یک سوره با یکدیگر می‌باشد.

براساس نظریه ساختار هندسی سوره‌ها، مؤلفین به‌دنبال یافتن پاسخی برای این سؤال مهم هستند که آیا مجموع آیات سامان‌یافته در یک سوره، هدف خاص و معینی را دنبال می‌کنند؟

چنانچه علامه طباطبایی نویسنده تفسیر المیزان نیز معتقد است که هر سوره، صرفاً مجموعه‌ای از آیات پراکنده نیست، بلکه یک وحدت فراگیر بر هر سوره حاکم است که پیوستگی آیات را می‌رساند. لذا در تفسیر المیزان در ابتدای هر سوره، اهداف و غرض اصلی سوره را برشمرده است (طباطبایی، ۱۳۹۷: ۱۴/۱).

جلد اول تفسیر کاشف در سال ۱۳۶۲ از چاپ خارج شد و احتمالاً بالغ بر پانزده جلد خواهد شد.

بحث و نتیجه‌گیری

اهتمام دانشمندان ایرانی به تفسیر و حدیث، در قرن اول هجری موجب پیشرفت‌ها و دستاوردهای فراوانی در

بانوی اصفهانی (متولد ۱۴۰۳ ق) است. مؤلف در ضمن تفسیر آیات به مباحث علوم قرآنی و مباحث کلامی نیز پرداخته است و در پاره‌ای موارد از نظرات فلاسفه نیز بهره می‌برد. همچنین از تفاسیر و روایات اهل سنت و شیعه امامیه و گفتار عرفا نیز استفاده کرده است. این تفسیر به زبان فارسی و در پانزده جلد نوشته شده است.

۱۰. تفسیر نور، محسن قرائتی، فارسی

این تفسیر توسط محسن قرائتی (متولد ۱۳۲۴ ش) تألیف شده است. هدف اصلی آن، ساده‌سازی مفاهیم قرآنی برای استفاده همگانی است. لذا مطالب تفسیر را در سه بخش ارائه کرده است: ترجمه، لغت‌شناسی و شأن نزول و آیات مرتبط، پیام‌های آیات. این تفسیر در ده جلد به زبان فارسی منتشر شده است.

۱۱. الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن والسنه، محمد صادقی تهرانی، عربی و فارسی

نویسنده تفسیر محمد صادقی اصفهانی مشهور به صادقی تهرانی (۱۳۰۵-۱۳۹۰ ش) است. روش وی در تفسیر قرآن، تفسیر قرآن به قرآن به علاوه تفسیر قرآن بالسنه است. می‌توان گفت تفسیر ایشان در ردیف تفاسیر تحلیلی، اجتهادی، تربیتی و اجتماعی است.

وی تفسیر خود را در سی جلد به زبان عربی نوشته است. علاوه بر آن، تفسیر موضوعی قرآن را به نام تفسیر القرآن الموضوعی در سی جلد به عربی نگاشته است. همچنین تفسیر پنج جلدی قرآن به زبان فارسی را با نام ترجمان القرآن نوشته است.

غزنویان در خراسان و توابع آن، نهضت علمی ایران در برخی رشته‌ها، به‌ویژه علوم دینی، کم‌کم به خارج از ایران و به‌ویژه به مرکز مهم شیعه، نجف اشرف، منتقل شد. در این میان علمای تفسیر نیز مانند سایر عالمان دینی، به تحصیل و تدریس در جوار مرقد امام علی علیه السلام در نجف اشرف بیشتر تمایل پیدا کردند. یکی از مهم‌ترین منابع تفسیری شیعه به نام تفسیر *التبیان* تألیف شیخ طوسی محصول این دوره است.

در قرن ششم هجری، بزرگ‌ترین تفاسیر اهل سنت در ایران نوشته شده است که از مهم‌ترین آنها می‌توان به تفسیر کبیر فخر رازی، *کشاف زمخشری* و *کشف الأسرار* میبیدی اشاره کرد. در این قرن تفسیر *مجمع البیان* شیخ طبرسی و تفسیر *روض الجنان* ابوالفتوح رازی نیز در حوزه تفسیری شیعه شکل می‌گیرد.

از قرن هفتم به بعد تفاسیر ایرانیان اهل سنت به اندازه تفاسیر قبلی از استحکام برخوردار نیستند و غیر از *انوار التنزیل* قاضی بیضاوی، اکثر تفاسیر شرحی بر تفاسیر قبلی یا تفسیر قسمتی از قرآن است. چنانچه در قرن‌های بعدی خصوصاً از قرن ده تا دوازده نیز، تفاسیری که در حوزه اهل سنت در ایران شکل گرفته شرحی بر *انوار التنزیل* بیضاوی است.

از قرن دوازدهم هجری به بعد، آثار چندانی در حوزه تفاسیر اهل سنت در ایران دیده نمی‌شود. شاید فضای ماتریالیستی حاکم بر قرن‌های نوزده و بیست میلادی و کشمکش‌های جنگ سرد و فضای بی‌دینی که در اکثر کشورهای خاورمیانه دیده می‌شد، یکی از عوامل باشد. همچنین تغییر شرایط زندگی اجتماعی و اقتصادی کشورهای مسلمان تحت تأثیر نحل‌های

علوم قرآنی، قرائت، تفسیر و حدیث گردید که این تلاش‌ها از نظر وسعت و اهمیت، بخش قابل‌توجهی از عصر شکوفایی فرهنگی اسلامی را در بر می‌گیرد. نتیجه طبیعی این اهتمام، شکل‌گیری دو کانون جغرافیایی علمی در قرون اولیه اسلامی، (شامل دو کانون اصلی؛ خراسان و ری و دو کانون فرعی؛ اصفهان و فارس)، بود که مهم‌ترین مراکز علوم قرآنی در ایران بوده‌اند و در این میان، خراسان در زمینه تربیت دانشمندان علوم قرآنی بر دیگر نواحی ایران ارجحیت داشت.

نکته قابل توجه اینکه، در قرن اول و دوم هجری، تفاسیر قرآن در ایران رنگ و بوی مذهبی نداشت و تحت تأثیر فرقه کلامی یا مذهب فقهی خاصی قرار نگرفته بود؛ اما از اواخر قرن دوم و اوایل قرن سوم هجری، مفسران اهل تسنن و مفسران شیعه امامیه (جعفری‌مذهب)، هر یک تفاسیر مستقلی متناسب با مشرب کلامی و فقهی خود می‌نویسند.

در میان مفسران اهل تسنن ایران، مفسران مذاهب شافعی و حنفی در ایران بیش از دو مذهب دیگر مهم‌اند. مفسران اهل تسنن نیز همانند مفسران شیعه‌مذهب، عمدتاً وابسته به دو مکتب ری و خراسان بودند.

در سال‌های انتهایی قرن سوم و آغاز قرن چهارم، ایرانیان در خارج از ایران نیز از بزرگ‌ترین مفسران و فقیهان علوم اسلامی خوانده می‌شدند؛ و با شروع قرن چهارم، علم تفسیر همراه با سایر علوم دینی، رشدی سریع یافت و به روزهای اوج خود نزدیک شد.

از قرن پنجم به دلیل درگیری‌های سلجوقیان و

- فکری یوزیتویستی و مدرنیسم نیز در این مسأله بی‌تأثیر نبوده است. به نظر می‌رسد تقویت حوزه‌های علمی دینی اهل سنت در ایران، تقویت نهادهای آموزشی و فرهنگی و دینی در مناطق سنی‌نشین می‌تواند در جبران این نقیصه مؤثر باشد و می‌توان در سال‌های آتی شاهد ظهور علمای برجسته اهل سنت در حوزه تفسیر قرآن و تألیف و نشر آثار ارزشمند قرآنی در ایران بود.
- اما تلاش‌های تفسیری در حوزه‌های علمیه شیعه امامیه از قرن دوازده به بعد نیز، همچنان ادامه داشته است. در قرن سیزده در حوزه تفسیری شیعه می‌توان به تک‌نگاری‌ها در تفسیر قرآن که شامل یک سوره قرآن می‌شد اشاره کرد. در ادامه نیز تفاسیر معتبر و جامعی به‌خصوص در قرن چهارده و سال‌های آغازین قرن پانزده هجری در بین دانشمندان شیعه ایرانی به رشته تحریر درآمده است که نشان‌گر نوعی خیزش و نهضت علمی جدید در حوزه معارف دینی و شروع دوره احیاء دینی در ایران است.
- منابع
- ابن خلکان، شمس‌الدین احمد بن محمد (۱۳۶۴ش). *وفیات الاعیان*. قم: منشورات الرضی.
- ابن الندیم، محمد بن اسحاق (۱۳۴۶ش). *الفهرست*. ترجمه تجدد. تهران: انتشارات بانک بازرگانی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۵۰ش). *الفهرست*. تهران: چاپخانه مروی.
- ایازی، سیدمحمدعلی (۱۳۸۷ش). *المفسرون حیاتهم و منهجهم*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰ش). *سیر تطور تفاسیر*
- شیعه. تهران: کتاب مبین.
- بازرگان، مهدی (۱۳۷۴ش). *پا به پای وحی*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- براون، ادوارد گرانویل (۱۳۶۱ش). *تاریخ ادبی ایران*. ترجمه فتح‌الله مجتبابی. تهران: نشر مروارید.
- بیضاوی، ناصرالدین عبدالله بن عمر (۱۴۱۰ق). *تفسیر بیضاوی*. بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- بطروتنسکی، ایلیاویویچ (۱۳۵۰ش). *اسلام در ایران*. ترجمه کریم کشاورز. تهران: انتشارات پیام.
- تهرانی، شیخ آقازرگ (۱۴۰۵ق). *الذریعه الی تصانیف الشیعه*. تهران: انتشارات اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵ش). *تفسیر تسنیم*. قم: مؤسسه فرهنگی اسراء.
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله (۱۲۷۸ق). *کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون*. تهران: اسلامیة.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین (۱۳۷۷ش). *دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی*. تهران: انتشارات دوستان.
- خوبی، سید ابوالقاسم (۱۳۸۵ق). *البیان فی تفسیر القرآن*. نجف: مطبعة الاداب.
- درودی، موسی (۱۳۶۲ش). *نخستین مفسران پارسی‌نویس*. قم: انتشارات نور فاطمه.
- دوانی، علی (۱۳۸۶ش). *یادنامه هزاره شیخ طوسی*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- رازی، ابوالفتوح (۱۳۴۲ش). *روض الجنان و روح الجنان*. تهران: انتشارات اسلامیة.
- \_\_\_\_\_ (۱۴۱۱ق). \_\_\_\_\_ (۱۴۱۱ق). تهران: دار الکتب العلمیه.
- زرکلی، خیرالدین (۱۹۸۹م). *الاعلام*. بیروت: دارالعلم للملایین.



- زمخشری، ابوالقاسم جارالله محمد بن عمر (۱۳۹۸ق). *الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل*. بیروت: دارالکتب العربی.
- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن (۱۴۰۱ق). *طبقات المفسرین*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- شریف لاهیجی، محمد بن علی (۱۳۷۳ش). *تفسیر شریف لاهیجی*. تحقیق محدث ارموی. تهران: دفتر نشر داد.
- شیرازی، ابواسحاق (۱۴۰۱ق). *طبقات الفقهاء*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- صدر حاج‌سیدجوادی، احمد (۱۳۶۶ش). *دایرةالمعارف تشیع*. تهران: بنیاد اسلامی طاهر.
- صدر، سیدحسن (۱۳۶۹ش). *تأسیس الشیعه*. تهران: مؤسسه الاعلمی.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۳ش). *تاریخ ادبیات در ایران*. تهران: انتشارات فردوسی.
- طالقانی، سید محمود (۱۳۴۸ش). *پرتوی از قرآن*. تهران: شرکت انتشار.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۳۵۴ق). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. قم: منشورات مکتبه النجفی.
- طبری، محمد بن حریر (۱۴۰۰ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالمعرفه.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۸۲ق). *التبیین فی تفسیر القرآن*. نجف: مطبعة النعمان.
- عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم (۱۳۷۱ش). *طبقات مفسران شیعه*. قم: انتشارات نوید اسلام.
- عیاشی، ابونصر محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق). *تفسیر عیاشی*. تهران: المکتبه العلمیه الاسلامیه.
- فتح‌الهی، ابراهیم (۱۳۸۹ش). *تاریخ تفسیر قرآن کریم*. تهران: انتشارات اسوه.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹ش). *مفردات قرآن*. تهران: انتشارات اشجع.
- فرای، ریچارد (۱۳۶۲ش). *تاریخ ایران از اسلام تا سلاجقه*. انتشارات دانشگاه کمبریج. ترجمه حسن انوشه، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب (۱۴۰۳ق). *قاموس المحيط*. بیروت: انتشارات دارالفکر.
- قرشی، سیدعلی‌اکبر (۱۳۷۷ش). *تفسیر احسن الحدیث*. تهران: بنیاد بعثت.
- قمی نیشابوری، نظام‌الدین (۱۴۱۶ق). *غرائب القرآن و رغائب الفرقان*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- کبری‌زاده، طاش (۱۴۰۱ق). *مفتاح السعاده و مصباح السیاده فی موضوعات العلوم*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- گیپ، هامیلتون (۱۳۷۰ش). *بررسی تاریخی اسلام*. ترجمه منوچهر امیری. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مشهدی، محمدرضا (۱۳۶۶ش). *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۶ش). *خدمات متقابل اسلام و ایران*. تهران: انتشارات صدرا.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۰ش). *آشنایی با علوم اسلامی*. تهران: انتشارات صدرا.

- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۹ش). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مهرآبادی، میترا (۱۳۷۹ش). تاریخ سلسله‌های محلی ایران. تهران: دنیای کتاب.
- نوبهن، داود (۱۹۸۴م). معجم المفسرین من صدر الاسلام حتی العصر الحاضر. بیروت: الشقایه.
- Corbin, Henry (1975). *En Islam Iranien*. Review by: Earle Wavah. Chicago: The University of Chicago Press.
- Donaldson, D.M. (1933). *The Shiite Religion: A History of Islam in Persia and Iraq*. London: Oxford University Press.
- Wickens, G.M. (1982). *Iranian Studies*. Tayl & Francis.

